

ژاله جان

۹

ای صمیمی شاعرِ دور از وطن بر تو سپاس
 چونکه با دور از وطن امشب نشستی ژاله جان
 صد دریچه بر گشودی با صفای شعر ناب
 ساعتی بر درد غربت راه بستی ژاله جان
 مسلکت یا راست یا چپ، قلب تو آئینه است
 خوب و والائی ز هر بالا و پستی ژاله جان
 چامه ات مستم کند چون باده در فصل بهار
 از شراب عشق گویی مستِ مستی ژاله جان
 نیم قرن عمر تو بگذشت در هجر وطن
 از سریاری ترا نگرفت دستی ژاله جان
 در وطن گر نیستی غمگین مشو شیرین سخن
 در دل مردم تو جاویدانه هستی ژاله جان
 گو سرشتند این گل ما را ز یکجا از ازل
 چون تو هم هم کیش من، ایرانپرستی ژاله جان

مسعود عطایی ۱۹۹۷/۱۹/۱۰

"زندگی"